



مسئولیت متن و شکل بدوش نویسنده مضمون میباشد، عقیده نویسنده لزوماً نظر افغان جرمن آنلاين نمی باشد



۲۰۱۹/۰۷/۰۲

میر عبدالواحد سادات

مقابله با پلانهای سوپر شیطانی پاکستان



پرداختن دقیق و پاسخ درست به این موضوع ایجاب مینماید تا این سوال اساسی را مطرح نماییم:

چرا پاکستان درین هفت دهه به استثنای بعضی مقاطع، همیشه دست بالا دارد؟ بزرگترین ضعف تاریخی ما:

در شعارزدگی ما است که مانع برخورد شعوری ما با مسایل و مصایب میگردد و البته علت تاریخی آن همانا:

فقدان حاکمیت عقل است که بر حسب ذهن و عادت شرقی طرح انرا " کسرشان " و حتی توهین می پنداریم .

تا زمانیکه با عقلانیت سیاسی به این سوال نپردازیم و علل ضعف و ناکامی خود را مشخص نسازیم:

کماکان در برابر این کشور تصنعی و مخلوق استعمار، با سیستم ناپایدار سیاسی که نیم عمر آن با کودتا ها و سیادت نظامیان سپری گردیده، بازنده و با پلانهای سوپر شیطانی و طراز انگریزی ان مقابله نمیتوانیم .

افول تاریخی ما بعد از نخستین جمهوریت و تا کنون باچگونگی پاسخ به این سوال گره خورده است . عواقب نا میمون عملکرد این کشور پای بزرگترین قدرتهای جهان و سازمانهای طراز اول نظامی در دهه هشتاد

اتحادشوری و پیمان وارسا و اکنون امریکا و ناتو را در سرزمین ما کشانیده است و از عجایب روزگار که باز هم در سراسر شیب سقوط دقیقه شماری داریم و اما:

خوش هستیم که:

پاکستان را " دال خور " بگوئیم و درد خود را تسکین و کتمان نماییم !!!

رمز اصلی و شاه کلید " موفقیت " پاکستان کدام است؟

که درین هفت دهه و بخصوص درین حدود نیم قرن اخیر در بحرانی ترین شرایط و منجلا ب کشمکش های کلان بین المللی از دوران جنگ سرد و تا دور جدید " بازیهای بزرگ " و اوج رقابت رقبای جیوستراتیژیک جهانی با

هفت رئیس جمهور امریکا و شش سکانتار کرملین بمثابة دوست ستراتیژیک غول اقتصادی چین در دشمنی مداوم با قدرت بزرگ هندوستان رقیب، مالک اردوی قدرتمند و " بمب اتمی اسلامی " و " شریک غیر اروپائی ناتو " بحیث

یک قدرت منطقوی مطرح است. در حالیکه دیگر از کفر ابلیس معروفتر است که:

پاکستان مرکز شرارت پیشه گان جهان و بزرگترین زراد خانه تولید ذهنیت تکفیری و تروریستان است که حتی بزرگترین حامی انکشور امریکا نیز بدان معترف و نخستین توبیت سال قبل آقای ترامپ انرا علنی ساخت .

جنگ اعلام نشده پاکستان چهل و چهار سال قبل با تجهیز و اعزام تخریبکاران آغاز و تا کنون با تمام ابعاد آن ادامه دارد که بقیمت نابودی هستی مادی و معنوی و شهادت ملیونها افغان و افغانستان قربانی تجاوز انکشور

میباشد.

و هیهات افسوس و صد افسوس:

که اکنون این دشمن تاریخی افغانستان مقدرات تاریخی ما رقم میزند و برای ما باز هم حکومت میسازد و دسته های تیر (جلابان سیاسی) بخاطر همنوایی با این پلانهای شوم و شیطانی بدربار پنجاب می شتابند .

از دید این قلم رمز اصلی و شاه کلید موفقیت پاکستان:

در تداوم موسسه دولت درین کشور، قوای مسلح مقتدر، استخبارات نیرومند، کدر آگاه ملی و قدرت بزرگ لابی گری در جهان میباشد .

پاکستان تعریف دقیق و روشن از منافع ملی خود دارد که هر پاکستانی اعم از ملکی و نظامی، ملا و تاجر و ... بدان باوردارند . بر مینای همین باورمندی هیچ زمامدار، جنرال و مولانای پاکستان از دشمنی با هندوستان و افغانستان دست نمیکشند .

د پانو شمیره: له 1 تر 6

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هیله من یو خپله لیکنه له رایرلو مخکې په خیر و لولئ

برخلاف ما در چه موقعیت داریم ؟

در تمام این مراحل ما مسیر تضعیف دولت را پیموده و سقوط ، انارشی و سیطره مستقیم پاکستان را تجربه و با بلند ترین رقم مهاجر ، زیادهترین کشته ، معلول ، یتیم ، بیوه ، معتاد و ... بحیث ناامن ترین کشور در جهان شناخته میشویم .

در هجده سال اخیر و با صرف ملیارد ها دالر در گسترده ترین هجوم نظامی و حضور وسیع امریکا ، سازمان ناتو و متحدان آن به عوض دولت ، شرکت سهامی طراز جهادی - طالبی و مافیایی و کلیبتوکراسی حاکم و به عوض بازار آزاد ، بازار فساد هموار و بمثابه فاسد ترین دولت جهان راجستر هستیم .
بحران مشروعیت ، بحران اعتماد و افتراق ملی مصایب بزرگ که مانع اعمال حق حاکمیت ملی و گذار به پروسه دولت - ملت و رفتن بشاهراه صلح و ترقی میگردد .

پاشنه اشیل افغانستان:

فقدان دولت ملی قانون محور و عدالت گستر میباشد که راه را به اقتدار نیرومند ملی هموار نماید تا ما تعریف روشن از منافع ملی داشته باشیم و با چنگ زدن بوحثت ملی (که بقول شاه امان الله موجودیت افغانستان در گرو آن است) و مصالح علیای کشور از آتش افتراق ملی ، با نه گفتن به شهونیسیم و سکتاریسم از خود محوری ، تنظیم و حزب محوری ، قوم و سمت محوری گذار نمائیم .

همین فقدان دولت ملی باعث گردیده تا بقول مرحوم مجروح به عوض " قوه جاذبه ای مرکز به قوه دافعه عن مرکز " به زور و زر سالار ، جنگسالار ، " قانون ستیزان مرکز گریز و مرکز گرایان بی قانون " زمینه مساعد گردد تا در خدمت منافع جیوپولوتیک اجانب و همسایه حریص بخاطر منافع شخصی شان موسسه دولت را دور بزنند .

در شش ماه اخیر که بحساب منافع خاص امریکا از سریال صلح موج از سراب را ایجاد نموده است ما بخوبی مصداق این واقعیت تلخ را مشاهده مینماییم که گروه از جلابان سیاسی از نام مردم افغانستان در پایتخت های ممالک دینفوذ بر طالبان سرگردان اند و ماحصل تلاش شان :

" قباحت زدایی " از طالبان و " مشروعیت زدایی " از نهاد دولت و زمینه سازی به پلان پاکستان بخاطر " دولت موقت " و صدور امارت اسلامی طالبان به قیمومیت انکشور میباشد .

تلاش اخیر درین راستا سفر با عجله يك " دلگی " از سیاسیون (جلابان سیاسی) به شهر لاهور پاکستان است که حسب گذارش " تاند " با تحقیر آنان همراه گردید .

درین " دلگی " جلابان سیاسی و درین " جمع اضعاد " از راست افراطی و تا چپ افراطی و از نماد های سکتاریسم و شهونیسیم و از شعیه و تا سنی و ... همه از يك یخن سرکشیده و با ارادت خاص لکچر آقای وزیر خارجه پاکستان را همچون شاگردان تنبل مکاتب ابتدایی گوش دادند .

در حالیکه تا يك هفته دیگر دور هفتم نشست قطر پلان گردیده و در اجندای کار به اصطلاح کنفرانس لاهور حضور طالبان و یا ملاقات با احزاب سیاسی پاکستان مطرح نبود ، سوال ایجاد میگردد که چه اهداف پنهانی و کدام نیم کاسه در زیر کاسه وجود دارد؟

بعد از ناکامی جلسه دوم " سیاسیون " با طالبان در مسکو اشتراک و نقش دولت افغانستان در پروسه صلح مورد توجه قرار گرفت. نشست های سه قدرت بزرگ اعضای دایمی شورای امنیت (امریکا ، چین و روسیه) اتحاد اروپا بخصوص آلمان و سکرتر جنرال ناتو بر این اشاره و تاکید داشته اند .

بدینرو آشکارا است که " کنفرانس لاهور " برای تضعیف موقف دولت افغانستان و تاثیر گذاری بر سفر چند روز بعد رئیس جمهور به پاکستان و مطرح ساختن طرح " حکومت موقت " سازماندهی گردیده است. چنانچه تعداد از مبصرین و مطبوعات پاکستان نیز بر اهداف پشت پرده در زمینه تاکید نموده اند . در حالیکه در " کنفرانس طالبان و احزاب سیاسی پاکستان حضور نداشتند ، این اشخاص نظرات شانرا بین خودشان و البته در محضر " اولیای امور " پاکستانی شان بیان نمودند .

پاکستان با تدویر کنفرانس به جانب افغانستان روشن ساخت که بر مخالفان مختلف دولت اشراف دارد و میتواند آنان را در پنجاب جمع نماید .

صحبت های انجام یافته درین " کنفرانس " پیرامون اساسی ترین موارد مربوط به زندگی مردم ، جنگ و صلح که هست و بود افغانستان در گرو چگونگی حل و فصل آن است :

- بسیار عام و هوایی
- تقلیل گرایانه و ساده انگارانه
- فاقد پلان و برنامه
- فاقد ارزش محوری
- پوپولیستی

اقای محمد اکرم اندیشمند از بلند پایه گان جمعیت اسلامی که درین " کنفرانس شرکت داشت ، در فیسبوک خود نوشته است :

"این گویا رهبران افغانستان که در کنفرانس صلح در مری پاکستان صحبت می کنند مانند امامان و واعظان مساجد سخن می گویند. این ها هیچ طرح مشخص برای صلح ارائه نمی کنند. این ها واقعاً نمی دانند. با این ها افغانستان نه به جایی می رسد و نه به صلح"

تاکید مکرر بر اسلامی بودن دو کشور شاید " کشف خلاق " آقایان بوده و گویا اطلاع ندارند که همین کشور اسلامی و مولانا های خبیث آن درین بیشتر از چهاردهه دمار از روزگار مردم ما بیرون نموده اند و افغانستان قربانی جنگ اعلام نا شده و تجاوز جمهوری اسلامی پاکستان میباشد. خوب است آقایان بیاد داشته باشند که : اهداف سیاست خارجی کشور ها را منافع ملی شان تعریف مینماید و طرح های ایدئولوژیک و دینی منجمله اخوت اسلامی بخاطر کتمان اعمال ضد انسانی شان مورد سوء استفاده قرار میگیرد . مکئی کوتاه بر بخش های از صحبت آقایان با ادعا های بزرگ و حتی کاندید ریاست جمهوری نشان میدهد که :

اگر این مکتب است و این ملا حال "کشور" خراب می بینم

اقای عطا محمد نور در موعظه طولانی به ارتباط معضله آنها ارشاد فرمود که :
" بحساب شرعی نیز میتوانیم این موضوع را حل و بند برق در دریای کثر ایجاد نمائیم " مثل آنکه این آقا اطلاع ندارد که :

در حقوق بین الملل معاصر درین عرصه قواعد وجود دارد و ملل متحد کنوانسیون خاص را در مورد ابهای بین المللی به تصویب رسانیده است .

اکنون هموطن ما قضاوت می فرمایند که در مورد یکی از عوامل اساسی تداوم تجاوز پاکستان ما چگونه می اندیشیم !!!

اقای لطیف پدram کاندید ریاست جمهوری برای اولین بار در تاریخ موجودیت پاکستان ، با لک بخشی نظر شخص و حزب خود را در مورد برسمیت شناختن خط تحمیلی و استعماری دیورند در پاکستان اعلام نمود .

این موضوع جوانب مختلف دارد که باید جداگانه به آن پرداخته شود و مرتبط به بحث جاری باید نوشت :
در کدام کشور جهان چنین مرسوم و مجاز است که بیکی از عمده ترین مسایل متنازعیه فیه در کشور متخاصم رئیس يك حزب رسمی و کاندید ریاست جمهوری مخالف سیاست دولت و خلاف منافع و مصالح کشور به کشور متجاوز و متخاصم باج دهد !!!

از طرف دیگر هرکسیکه در احوال جاری دلیل تداوم تجاوز پاکستان را خط دیورند بداند ، به مفهوم آن است که از درک عوامل پیچیده جیوپولوتیک منطقوی و بین المللی و دهها عامل دیگر در ادامه تراژیدی خونبار افغانستان دور میباشد و در غیر آن همچو طرح صاف و ساده پوپولیسم و خدمت به جیوپولوتیک پاکستان میباشد .

از جانب دیگر طرح مسایل مربوط به نوعیت نظام و رژیم سیاسی موضوع داخلی و انحصاری مربوط افغانان میباشد که طرح آن با " اولیای امور " پاکستانی به مفهوم آن است که :

عمران خان " حق " دارد نسخه استعماری " دولت موقت " را برای ما تجویز نماید .

اقای حکمتیار صاف و روشن درین کنفرانس بیان نموده است که :

" ما در افغانستان برای بقای پاکستان مبارزه مینماییم "

البته ابراز همچو سخنان از جانب آقای حکمتیار که درین چهل و پنج سال اخیر در خدمت اهداف پاکستان قرار دارد، مایه تعجب نمیباشد .

موصوف چهل و چهار سال قبل برهبری استخبارات پاکستان و تحت قیادت جنرال نصیرالله بابر گورنر جنرال وقت صوبه سرحد ، گروه های تخریبی را آماده و نخستین تجاوز انگشور بر ضد نخستین جمهوریت افغانستان و محمد داود فقید انجام و یکی از وسایل عمده جنگ اعلام ناشده انگشور در سال (۱۹۹۰ م) طرح کنفدراسیون افغانستان و پاکستان را با غلام اسحق خان پذیرفت و در دهه نود ارمان و خواب ضیالحق که : کابل باید بسوزد ! را همراه با شرکا و رقبای تنظیمی شان بواقعیته مبدل ساختند . و این بار بخاطر تحقق طرح عمران خان تیر های اخر عمر را به نعش اغشته بخون وطن میزنند .

اقای رحمت الله نبیل رئیس سابق ریاست امنیت دولتی و یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در مورد شرکت کنندگان " کنفرانس لاهور " تبصره کوتاه دارد که يك قسمت انرا ازسایت (سبوتنیک - افغانستان) نقل مینمایم :

" ... کار بعضی ها را سهل ساختند ، از تیلفونهای محرم و دیدارهای مخفی در کشور های دیگر خود را اسوده نموده، این بار بطور مستقیم دستور و شاباسی گرفتند :

به هر رنگی که خواهی جامه می پوش من از طرز خرامت می شناسم"

در مجموع نزد این آقایان ارزشهای متعالی :

- جمهوریت
 - حاکمیت قانون
 - و تفاوت ماهوی آن با :
 - امارت
 - حاکمیت شریعت
- چندان تفاوت ندارد و شناخت آنان از طالبان و اهداف پیچیده تداوم دهندگان جنگ افغانستان بسیار ابتدایی و گویا با ذهن افسرده و ناذهین و دید قرون وسطایی بواقعیت های قرن (۲۱) نسخه بدهند.
- چنانچه آقای محقق سبکسرانه مطرح نمود که :
- " ... پس از شوروی تروریستان در مناسبات پاکستان و افغانستان غلط فهمی ایجاد کردند و حال باید هردوکشور مشترکاً به رفع این غلط فهمی ها بپردازند . "
- بدین ترتیب آقایان با بالاترین ادعا ها با این پرت و پلا گفتن ها میخوانند ، اخلاص شانرا به پاکستان به قیمت مسخ حقایق تاریخی ، تمثیل نمایند . بی جهت که هیچکدام از آقایان شرکت کننده در کنفرانس لاهور در موارد :
- جنگ اعلام نشده پاکستان
 - تجاوز آنکشور
 - کشتار اهالی ملکی و جنایات جنگی
 - موجودیت مراکز طالبان در پاکستان و کمک همجانبه پاکستان به آنان
- حرفی به زبان نیاوردند و برخلاف با تحریف حقایق افتابی : پاکستان متجاوز را " قربانی " جنگ افغانستان خواندند . همچو اظهارات خیانت آشکار به افغانستان میباشد که :
- قربانی اصلی جنگ اعلام نشده پاکستان و اماج تروریسم سازمان یافته از آنکشور میباشد . این موضعگیری اشکارا بی حرمتی به شهدا ، مجروحین ، معلولان ، معویبین و بیوه های افغانستان میباشد .
- بی پاسی در برابر قوای مسلح افغانستان که همین اکنون با فداکاری در برابر جنگ اعلام نشده و جنایات تروریستان میرزمند ، خیانت نا بخشودنی این آقایان پنداشته میشود . همین اکنون هر کدام این آقایان را تا چند منسوب قوای مسلح محافظت مینمایند .
- همچنان بر هیچکس پوشیده نیست که این آقایان اجزای شرکت سهامی و دولت موجود میباشدند و پیوسته از امتیازات آن منسفيد میگردند و اما مشاهده میشود که آقایان در مسکو و لاهور " فاتحه " دولت را فتوی اجنبی خواندند .
- تاریخ شاهد است که پاکستان و ایران در تنائی با استخبارات بین المللی هفت گانه و هشت گانه را به مقاصد سیطره جویانه و استعماری شان ایجاد نمودند و در نهایت افغانستان را قربانی رقابت آنان ساختند .
- اکنون در مورد پروژه صلح نیز میخوانند همان نسخه استعماری را تطبیق و به اصطلاح " پروژه " ها را در مسکو ، قطر ، لاهور و ... راه اندازی مینمایند و بی نیاز از اثبات است که هر اندازه قصاب زیاد گردد و رقابت بازیگران بیشتر ، عواقب زیانبار آن بیشتر میگردد .
- تبلیغ تصنعی " فضای نیک " ، " فرصت نیک " ، " فصل نو در مناسبات پاکستان با افغانستان " و اعلام اینکه:
- " پاکستان به صلح افغانستان متعهد است " و دیگر " سیاست عمق ستراتیژیک " را تعقیب نمیکند و ... که عمدتاً در ارزیابی های آقایان اتمر و ولی مسعود بازتاب یافت .
- فاعتبرو یا اوالبصار !
- بدینترتیب این کنفرانس (شرمفرانس) لاهور بغیر از اظهار اخلاص و ارادت به پاکستان، و نوعی کمپاین شخصی ، تنظیمی و انتخاباتی در خانه دشمن که باعث بالاتر شدن دست پاکستان در آستانه سفر رئیس جمهور به آن کشور گردید .
- آقایان در مسکو و لاهور به عمده ترین خواست پاکستان که در مطالبات مکرر طالبان بازتاب دارد ، صحنه گذاشتند و با نوعی " وقاحت زدایی " از طالبان ، عامل " مشروعیت " آنان و تضعیف موقف دولت افغانستان گردیدند که نتیجه آن ، منتج به استقرار امارت اسلامی طالبان خواهد گردید . زمینه ساز مجموع این " درامه " ها :
- فقدان دولت ملی مقتدر و نبود حاکمیت قانون میباشد .**
- اظهر من الشمس است که درین هجده سال مقاصد استعماری باعث گردیده که در افغانستان به عوض دولت ، شرکت سهامی جهادی - مافیایی ایجاد گردد و آگاهانه دولت امریکا و آقای جان کیری حاکمیت ملی ما را میان دو گروه رقیب پیشیناز انتخابات تقسیم نمود .
- در نتیجه این نقب گذاری ها اقلیت منفور تاجران دین ، تیکه داران " جهاد " ، دکانداران قوم و جلابان سیاسی ، اکنون علنی بنفع جیوپولوتیک اجانب " پارو " بزنند و ممثل منافع آنان باشند .
- درین راستا ، پاکستان بحیث کشور متخاصم زیادتیرین تاثیر و نفوذ را بر بخش زیاد افغانان اعم از تنظیمی و ... حتی در داخل دولت ستون پنجم شان فعال میباشد .

هرگاه در افغانستان دولت مقتدر ملی و حاکمیت قانون وجود می‌داشت ، باید این آقایان به اساس احکام قانون اساسی و کود جزای کشور مورد تعقیب عدلی قرار گرفته و محاکمه گردند .

با صد افسوس و درین فقدان دردناک باید : این جلابان سیاسی در محکمه قضاوت مردمی محکوم گردند و حد اقل باید تدابیر اتی در مورد شان عملی گردد :

— ممنوع الخروج اعلام و از اشتراك در جلسات بیرون کشور ممنوع گردند .

— بادیگارد ها و محافظان شان گرفته شود و امتیازات مادی آنان قطع گردد .

بر اساس قانون اساسی نافذ ، جنگ و صلح از صلاحیت های انحصاری دولت است و دولت بخاطر انجام مکلفیت های خود باید :

در مسیر کسب وجاهت و مشروعیت اعمال خود به مردم اقتدا و بخاطر منافع واقعی مردم و منافع ملی کشور ، به قانون پناه برد . فقط و فقط تطبیق یکسان و بلاشرط قانون میتواند زمینه ساز کاهش بحران اعتماد گردد .

خواست اساسی مردم صلح واقعی و پایدار است و این مأمول در وجود يك مکانیزیم واقعیانه متحقق میگردد .

یگانه وسیله تحقق این مکانیزیم در احوال جاری همین نهاد موجود دولتی است که بخاطر ضعف داخلی نمیتواند به انجام وظایف خود نائل گردد . مردم در تجربه تاریخی دریافته اند که :

عمل ملاک حقیقت است ، بدینرو هرگاه نیت خدمتگذاری واقعی وجود داشته باشد ، با همنوایی اکثریت مردم :

- جوانان

- زنان

- مستمندان و فقیران

- مهاجران و بیجا شدگان

- روشنگران متعهد بوطن و ...

که در مجموع خواستار صلح واقعی میباشند ، را کسب نمایند .

همیشه بیاد باید داشت که :

اصل و تعریف کلاسیک که سیاست خارجی را بازتاب سیاست داخلی میداند ، کماکان اصالت دارد و هیچگاهی دولت فاقد پشتیبانی مردم نمیتواند مدافع منافع ملی در روابط بین المللی و سیاست خارجی باشد .

تجربه تاریخ گواهی این واقعیت است که :

در احوال افتراق ملی ، بحران اعتماد و تشنیت و چند دستگی ، هیچگاهی دستیابی به اهداف کلان ملی ممکن نمیگردد .

پس مبرمترین وظیفه ملی این است تا :

تمام هم و غم ما متوجه کاهش بحران اعتماد ملی و ایجاد روحیه قوی ملی میباشد . طی این چند دهه جنگ و

بحران مسایل بگونه رقم خورده است که فقط يك اقلیت منفور در معاملات ذات البینی شان و در غیاب مردم

مقررات مردم را رقم زده اند و گویا در اشتراك شان ما " وفاق ملی " داشته ایم و درکم و کسر آنان همه چیز

برهم خورده و کشور را به تباهی سوق داده اند . اکنون دیگر جامعه تغییر یافته و نیرو های محرك اجتماعی

جدید را باید زمینه ساز باشیم .

بچشم سر مشاهده مینماییم که :

قهرمانان جوان در عرصه سپورت ، تحصیل ، موسیقی ، سازندگی و ... با استقبال خودجوش هزاران افغان مواجه میگردد و اما آقایان جلابان با ادعای بزرگ در مظاهرات و جلسات به افراد کرایبی ضرورت دارند .

حالت اکثریت جوانان جسور و تاریخ ساز ما به شیران مشابهت دارد که سرنوشت شان بدست گوسپندان رقم میخورد .

کسانیکه به نیرو و اراده نسل جوان شك دارند به رزم و دلاوری منسوبان قوای مسلح توجه فرمایند که چگونه در مقابل تروریسم و تجاوز پاکستان می‌رزمند .

مقابله با پلانهای سوپر شیطان پاکستان باید دروجود يك منشور ملی انجام یابد .

منشوریکه باید محصول فکر کلان ملی ، فراقومی ، سمتی و مذهبی در بحث و گفتمان وسیع همگانی باشد و بتواند تعریف دقیق منافع ملی و مصالح افغانستان را تسجیل نماید .

درین منشور ملی باید شناخت از منافع " مشروع " پاکستان و سایر همسایه داشته باشیم ، تا بتوانیم از شر جنگ های نیابتی رقبای جیوپولوتیک منطقوی بدور باشیم .

مقابله با پلانهای سوپر شیطان پاکستان در دور " جدید بازیهای بزرگ " و در شرایط

باید انجام یابد که رقبای جیوپولوتیک بین المللی (امریکا ، روسیه و چین) برای تعیین مقررات تاریخی ما ، با هم در حشر و نشر میباشند و بدون شك مجموع قدرتهای منطقوی و جهانی درگیر در مسایل و مصایب افغانستان نمیخواهند ، نظاره گر عادی باشند .

در چنین اوضاع و احوال بسیار بغرنج احتمال وقوع خطرات زیاد وجود دارد ، سیاست های کجدار و مریز امریکا که همیشه سر نخ تروریستان را بدست دارد و در تمام مدت ریشه ترور را در پاکستان ابیاری و بخاطر قطع شاخ های ان مردم بیگناه ما را قربان مینمایند ، همیشه يك تهدید جدی میباشد .

همیشه باید تجربه دهشتبار تاریخ را بخاطر داشت که :

نه تنها لشکر کشی قدرتهای بزرگ زیانبار است ، بل رفتن غیر مسولانه شان که هردو به اساس محاسبه منافع ملی صورت میگیرد ، عواقب بمراتب فلاکتبار برای افغانستان و حتی منطقه دارد .

ضرورت طرح منشور ملی مسولیت جدی را متوجه روشنفکران و روشنگران متعهد به مردم میسازد که بیشترین مخاطب این قلم میباشد تا اشتراك مساعی شانرا در مقابله با سیر قهقرایی و ذهنیت تکفیری که افغانستان را اماج قرار داده اند ، معطوف و کار گسترده روشنگرانه در جهت افشای نیم کاسه های زیر کاسه " پروژه " صلح نمایند .

باید آگاهانه شعار دفاع از ارزشهای والا و جهانشول را مطرح کرد که :

— جمهوریت میخواهیم و نه امارت

— حاکمیت قانون میخواهیم و نه حاکمیت شریعت خود ساخته طالبان

البته از کفر ابلیس معروفتر است که همچو ارزشها برای منادیان دروغین حقوق بشر و امریکا که مقدرات تاریخی ما را رقم میزنند ، ارزش خاص ندارد و تجربه تاریخی معامله با سرنوشت جمهوریت دوم و حزب د خ ا (حزب وطن) با تنظیم های جهادی نیز در ذهن ما وجود دارد .

افغانستان روز های دشوار و سرنوشت ساز را سپری مینماید و کشور ما طولانی ترین جنگ را متحمل و از مردم ما قربانی بزرگ گرفته است ، حق دارند که :

بشاهراه صلح پایدار گذار نمایند .

با پاسداری از " انقلاب " امید و در پرتو حاکمیت عقل با تجسر و تکیه بر عقیلانیت سیاسی و چنگ زدن بمنافع و مصالح افغانستان باید پاسخ شایسته به صدای نعل غاشته بخون مادر وطن داد و در برابر پلانه های سوپر شیطانیه پاکستان و لطائف الحیل اجنبی از هست و بود وطن مشترک دفاع کرد .

و منحیث حسن ختام :

تیت می مه بوله غورحنگ را باندى مه کره زه په دي افتادگي کي لوی گرنګ یم

با حرمت